روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۵ ■ ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸ ■ ۶مارس ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۱۱۶ ■ ۱۶صفحه ■ ۱۰۰۰تومان

■ ۱۱۷۸سال و ۸۸ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.09 ■ No.2116 ■ Mon.Mar.06, 2017 ■ ISSN:2008-2886

رهبر انقلاب در دیدار الهام علی‌اف:

خیر و مصلحت دولت آذربایجان در همراهی با احساسات مذهبی مردم است

صفحه ۲

طی بیانیه‌ای صورت گرفت

تقدیر «جبهه مردمی» از اقدام مجلس در بازپس‌گیری مصوبه حقوق ۲۴ میلیونی

صفحه ۲

ترجیح می‌دهم نباشم!

پس از قاضی‌زاده هاشمی و طیب‌نیا، ظریف هم از عدم تمایلش به حضور در دولت آینده خبر داد

عکس: امین خسروشاهی، ایسنا

صفحه ۲

تیترهای امروز

طرفداران و مخالفان ترامپ به جان هم افتادند

جنگ خیابانی در کالیفرنیا

■ ترامپ، اوباما را به شنود دفتر کارش در زمان انتخابات ریاست جمهوری متهم کرد

صفحه ۱۵

تجمع این‌بار مقابل ساختمان وزارت اقتصاد

سپرده‌گذاران کاسپین:

حقوق شهروندی چه‌شد؟

صفحه ۳

مراسم گرامیداشت شهدای آتش نشان از سوی اهالی رسانه برگزار شد

به پاس پرواز ققنوس‌ها

صفحه ۲

نگاهی به فیلم‌های اکران عید در سینماهای کشور

ماجرای نوروز

صفحه ۱۳

خبر

ناکارآمدی مدیریتی در حوزه اقتصاد اصلی‌ترین مانع تهدیدکننده انقلاب

نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی گفت: امروز بعد از ۳۸ سال از عمر انقلاب اسلامی اصلی‌ترین مانعی که انقلاب را می‌تواند تهدید کند ناکارآمدی مدیریتی در بخش‌های مختلف بویژه در حوزه اقتصادی است. به گزارش فارس، مهرداد بذرپاش در جمع دانشجویان دانشگاه اصفهان اظهار کرد: ۳۸ سال از انقلاب گذشته و امروز با نقطه مطلوب فرسنگ‌ها فاصله داریم که البته این نقض‌کننده زحمات انقلاب نیست. وی با اشاره به اینکه هیچ وقت نظام اقتصادی در دست نیروهای انقلابی نبوده است، ادامه داد: نبود نگاه انقلابی در بخش‌های مختلف مسبب مشکلاتی است که امروز در کشور وجود دارد و این مساله در حوزه اقتصادی پررنگ‌تر است. نماینده سابق مجلس همچنین گفت: عدم نگاه انقلابی در مدیریت باعث شده امروز بروکراسی خفه‌کننده حلقوم انقلاب را فشار دهد و ما نفس‌نفس زدن اقتصاد در کشور را می‌بینیم؛ متأسفانه برخی که اتفاقاً از اول انقلاب هم بودند می‌خندند و می‌گویند کار کارشناسی می‌کنیم. بذرپاش اضافه کرد: اقتصاد کشور اسلامی نیست، چرا که در هر خانواده‌ای جوانی از نداشتن کار در برابر خانواده‌اش شرمنده است که البته میزان حجم قاچاق در کشور یکی از دلایل این مشکل است. وی با بیان این سوال که آیا با تغییر آدم‌ها مساله حل می‌شود؟ اظهار کرد: در فضای امروز انقلاب اسلامی با سیل عظیم مسؤولان خسته و بی‌انگیزه و ناامید نسبت به آینده کشور و توان جوانان مواجه هستیم که البته این افراد از لحاظ جسمی خسته نیستند چون امکانات خوبی در اختیار دارند اما به لحاظ روحی خسته شده‌اند.

بذرپاش عنوان کرد: نیروی جوان تحصیلکرده را با پول کشور تربیت می‌کنیم و ۲ دستی به خارج تحویل می‌دهیم و سوال من این است که کدام یک از موضوعات مقالات ISI توانسته است مشکلات کشور را حل کند. وی با اشاره به اینکه برخی مانع پیشرفت در کشور هستند، گفت: هر جا کشور بخواهد پیشرفت کند و به سطح قابل قبولی از دانش برسد یا عامل بیرونی یا برخی از داخل فوراً جلوی کار را می‌گیرند و آن را تعطیل می‌کنند. نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: باید همه حواس‌مان را جمع کنیم چرا که دیگر وقت محافظه‌کاری نیست و باید روحیه محافظه‌کاری را کنار گذاشت و الا کار انقلاب ساخته است.

مصادیقی نو برای خروجی مدیریت نیاورانی

■ محمد زعیم‌زاده

نگاه امروز

اواخر هفته گذشته رضا صالحی‌امیری، وزیر ارشاد اعلام کرد ۶ وزیر کابینه روحانی که چیزی حدود ۳۰ درصد ظرفیت دولت را شامل می‌شود، برای حل مشکل بازی «کلش‌آوکلنز» وقت گذاشته‌اند!

در همین اثنا، وزیر بهداشت در سفری استانی به ایلام در مقابل درخواست امکانات فرماندار یک شهرستان محروم، او را به بدترین شکل تحقیر می‌کند و به تندترین شکل می‌نوازد و امنیت شغلی‌اش را هم به خطر می‌اندازد. بعد هم در نمایشی مثلا از دل فرماندار بخت برگشته درمی‌آورد که بله! شتر دیدی ندیدی!

مجلس دهم هم چهارشنبه هفته گذشته حماسه را کامل کرد و با حمایت قاطع نمایندگان نزدیک به دولت مصوبه‌ای را تصویب کرد که مبتنی بر آن مدیران می‌توانستند تا سقف روزی ۸۰۰ هزار تومان حقوق بگیرند یعنی ۳۰ برابر کف حقوق کارگران و کارمندان؛ هر چند مجلس بعدا تحت فشار افکار عمومی تا حدودی مصوبه خود را تعدیل کرد اما پروسه‌ای که طی شد همچنان تلاش برای قانونی کردن نجومی گرفتن را در افکار عمومی تهنشین می‌کند.

شاید این سه اتفاق به شکل تصادفی در فاصله نزدیکی شکل گرفته باشد و البته شاید در نگاه اول خیلی ربطی هم به هم نداشته باشند ولی در یک نگاه ماکروسکوپی و با اندکی تامل در این سه اتفاق می‌توان بخوبی مولفه‌های اصلی مدیریت به سبک مکتب نیاوران را در آنها یافت؛ مدیریتی که به خود اجازه می‌دهد وسط بحبوحه بحران خوزستان، سیل بلوچستان، برف گیلان و... ظرفیت ۳۰ درصدی قوه اجرایی کشور را سرگرم بازی کلش‌آوکلنز کند، همان مدیریت و همان طرز تفکر و همان مبنای نظری است که خروجی‌اش برای مطالبات و انتظارات انباشته مردم در بحث برخورد با حقوق‌های نجومی، می‌شود قانونی کردن فاصله ۳۰ برابری دریافت‌ها در جامعه و همان طرز تفکری است که برای مطالبه حداقلی درباره تخصیص امکانات در مناطق محروم مسیر توهین و تحقیر را پی می‌گیرد.

این همان مدیریتی است که بعد از ۴ سال در اختیار داشتن قوه اجرایی کشور و برخوردار بودن از بزرگ‌ترین امتیازات و اجازه‌ها هم در سیاست داخلی و هم در سیاست خارجی، باز هم در سال پایانی بیانیه می‌خواند و به سبک نامزدهای انتخاباتی قول و وعده و وعید می‌دهد. این همان تفکر و سبک مدیریتی است که برایش زنگ حسابی وجود ندارد و همه زنگ‌ها زنگ انشاست و همچنان همه کاستی‌ها و گرفتاری‌ها به گردن دولت قبل و ۸ سال گذشته است.

از همه اینها بدتر تلاش همیشگی این جریان برای گریز از پاسخگویی و همیشه در موضع اپوزیسیون بودن است. این طنز تلخ روزگار است که تفکر و سبک مدیریتی که طی ۲۸ سال پس از جنگ ۲۰ سال به شکل مطلق مدیریت اجرایی کشور را برعهده داشته، هیچ چیز را گردن نگیرد و سعی کند همواره خود را دگر وضع موجود تصویر کند، اینگونه القا کند که اگر توفیق نجومی یا حقوق نجومی در نظام است به آنها تعلق دارد و اگر گرفتاری و کاستی‌ای هم هست بر گردن آن ۸ سال است؛ ۸ سالی که به گواه آمار و ارقام از منظر مولفه‌های انقلاب اسلامی و حتی آنچه رفقای حضرات مولفه‌های توسعه می‌خوانند ۴ سالش جزو درخشان‌ترین سال‌های دولتداری در تاریخ انقلاب بوده است و در بدترین سال ۴ سال دوم هم شرایط رکود و بیکاری‌اش از شرایط کنونی بهتر بوده است.

آنچه از مولفه‌های مکتب مدیریتی نیاوران قبلا در همین جریده گفتیم و برخی مصادیقش را خود مردم در این چند روز دیده‌اند شاید برای عده‌ای تازگی داشته باشد و برای برخی لطیفه‌ای ولو تلخ باشد ولی برای آنهایی که سن و سالی دارند و همین مناسبات را در ۲۰ ساله فوق‌الذکر درک کرده‌اند همه‌اش خاطره است. نجومی‌بگیری مدیران و کارگزاران، وقت‌گذاری برای مسائل بی‌اولویت و دسته چندم که تنها مساله قشر خاصی است و برخورد متفرعنانه با کسی که از محرومیت‌ها می‌گوید، همه مصادیق متعددی هم در این دولت و هم در دولت‌های سازندگی و اصلاحات دارد که ذکر یک به یکش از این مقال خارج است و بیانش آسوده‌سری خواهد و مهتاب‌شبی! اما عجالتا در این ۲۰ سال سیاق مدیریتی حضرات مبتنی بر همین روش‌ها بوده است؛ روش‌هایی که مبانی نظری‌اش را نه در خطبه ۵۳ نهج‌البلاغه بلکه در خطبه‌های معروف نماز جمعه مانور تجمل باید جست!

بیداد عدل و داد

■ امیر استکی

یادداشت امروز

«می‌خواهم به ملت بزرگ ایران بگویم که بنده شیوه تخریب را نمی‌پسندم و حاضر نیستم رقیبم را تخریب کنم.» این یکی از صدها وعده‌ای است که حسن روحانی در کارزار انتخاباتی سال ۹۲ به مردم داده است. جست‌وجو در میان وعده‌هایی که جناب روحانی به مردم داده‌اند یک نکته بسیار مهم را مشخص می‌کند. بسیاری از آن حرف‌ها آنقدر کلی هستند که فرد در همه حال می‌تواند مدعی این باشد که به آنها عمل کرده است. مثل همین وعده‌ای که در اینجا نقل کردیم. احتمالا اگر از هرکس دیگری بپرسیم نظرش درباره تخریب مخالفانش چیست و اینکه آیا او در صورتی که بتواند این کار را می‌کند یا نه، در تقریبا اکثر موارد چیزی شبیه به همین جمله رئیس‌جمهور را خواهیم شنید. یک مثال دیگر: «فرهنگ اشرافی‌گری نباید بر کشور حاکم باشد». این را هم جناب روحانی گفته است و خب! در همین دولت شاهد آنیم که حقوق‌های در سطح یک زندگی اشرافی به بسیاری مدیران دولتی پرداخت می‌شود و مثلا رئیس‌جمهور کشور برای بازدید از یک کارخانه صنعتی با اتومبیل شاسی‌بلند به وسط خط تولید می‌رود و... در همین زمینه باز جناب روحانی در همان روزها فرموده‌اند: «مردم ما زندگی عادلانه و نه شعارگونه می‌خواهند؛ آنها عدل در عمل می‌خواهند. اگر می‌خواهیم از بیت‌المال پولی پرداخت شود باید براساس عدل باشد و اگر پولی، مال کشور است از آن همه ملت است نباید در اختیار قوم و نژاد خاصی باشد». می‌بینید عدل در عمل، این حرف بی‌اندازه درست است، حالا اما اگر کسی از رئیس‌جمهور عزیز بپرسد مثلا این داستان حقوق‌های نجومی و محل زندگی مسؤولان و کارگزاران و نوع معاش و تفریحات و... آنها را براساس همین حرف و وعده‌ای که خودشان داده‌اند، تشریح کنند، به احتمال زیاد براساس آنچه تاکنون دیده‌ایم رئیس‌جمهور عزیزمان خیلی ناراحت بشوند و احتمالا یک برچسب جدید برای منتقدان‌شان بسازند. تاریخ چیزی را دور نمی‌ریزد و ریز و درشت حرف‌ها و وعده‌های رئیس‌جمهور را درون خود نگه داشته است. ۴ سال هم در مقیاس‌های تاریخی زمان بسیار کمی است، آنقدر کم هست که گرد فراموشی را بر بسیاری از این حرف‌ها و وعده‌ها نریخته باشد. البته اگر کسی آلزایمر داشته باشد، بحثش جداست. مثل کسی که در وعده‌های انتخاباتی‌اش اینگونه می‌گوید: «مشکلات ریزگردها احتیاج به همکاری و همیاری با کشورهای همسایه دارد، ما که با عراق رابطه خوبی داریم، نیاز به همکاری و برنامه‌ریزی با عربستان، اردن و همه کشورهایی که ریزگردها از آنها وارد می‌شود داریم تا قدم به قدم حلش کنیم. اما یکی از برنامه‌های مدون دولت تولید امید و سرلوحه آن، ریزگردهاست البته در بحث محیط‌زیست ما باید این مشکل را حل کنیم». در حالی که پس از چند سال همان شخص وجود مشکلات اینچنینی را بی‌ربط به گناهکاری مردمان هم نمی‌داند و بر همین اساس مساله پیچیده‌تر از آن بوده است که در نزدیک به ۴ سال بشود حلش کرد و چه نیازی به این مساله است که رئیس‌جمهور به خاطر داشته باشد که در همین رابطه ۴ سال پیش چه گفته است؟ وقتی می‌شود فراموش کرد، چرا فراموش نکرد؟!

در زمینه اقتصاد اما تا دل‌تان بخواهد حرف‌های قشنگ در حافظه تاریخ مانده است: «در ماه‌های ابتدای آغاز به کار دولت «تدبیر و امید» موانع از سر راه تولید برداشته می‌شود. دولت تدبیر و امید نخواهد گذاشت این همه جوان بیکار در مقابل خانواده و فرزندان شرمنده باشند. برنامه اقتصادی من حل معضل اشتغال بویژه برای تحصیلکرده‌هاست. شعار من «نجات اقتصاد ایران» است. همین کارخانه‌های موجود در کشور اگر به جای ۲۰ درصد توان با ۶۰ درصد توان کار کنند، بخش عظیمی از مشکلات اشتغالزایی در کشور برطرف می‌شود. یکی از راه‌های مهار و کنترل تورم هدایت نقدینگی به سمت تولید است. در کنار هدایت نقدینگی به سمت تولید باید با فساد و رانت‌خواری مبارزه کنیم، چرا که بدون آن تولید رونق نخواهد یافت. اساس سیاست من بالا بردن ثروت ملی و رونق تولید و اشتغال و بهبود فضای کسب‌وکار و توزیع عادلانه ثروت است. ما ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار بیکار داریم و اگر تنها ۱۰ میلیون گردشگر وارد کشور شود بیش از ۱۳ میلیارد دلار درآمد ارزی و ۴ میلیون اشتغال درست می‌شود، یعنی با یک حرکت صحیح در یک مساله اقتصادی و اجتماعی می‌توانیم بیکاری را حل کنیم، بیکاری‌ای که امروز تنها مشکل اقتصادی نیست بلکه مشکل اجتماعی نیز هست و معضلات فراوانی به همراه دارد. در برنامه من علاوه بر برنامه‌های میان‌مدت برای حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاست خارجی و امور فرهنگی، برنامه کوتاه‌مدت یک ماهه و ۱۰۰ روزه وجود دارد. ما می‌توانیم در یک زمان کوتاه تحول اقتصادی در کشور به وجود آوریم و در آن تحول اقتصادی با ایجاد یک دوره تنفس به کارخانه‌ها و مراکز تولیدی که مشکل دارند این معضلات را حل کنیم. برنامه‌های اقتصادی وسیعی از سوی «دولت تدبیر و امید» طراحی شده که با اجرای آنها می‌توان کشور را به سرعت از بحران موجود خارج کرد. نخستین گام دولت تدبیر و امید کاهش نرخ بیکاری است. عدالت یعنی هر چیزی سر جای خودش باشد. یعنی به کسی ظلم نشود و تولیدگر و کارگر به حق‌شان برسند و هر کسی بتواند انتقاد کند و حرف خود را بزند که چنین جامعه‌ای، جامعه علوی خواهد بود».

اینها مشتی از خروارخروار وعده‌هایی است که رئیس‌جمهور در زمینه مسائل اقتصادی افاضه فرموده‌اند. جناب روحانی انتخاب شدند اما بسیاری از آنچه گفته بودند به سرانجام نرسید. حتی روند رو به بهبودی هم نیافت. خاصه در زمینه اشتغال و خارج کردن کشور از رکود. فضای عمومی معیشت و کسب‌وکار و اشتغال در کشور آنقدر گویا هست که نیاز به ارائه آمار و ارقام نباشد. همه با توجه به آنچه از وضعیت کنونی می‌بینیم متوجه هستیم وضعیت در خوشبینانه‌ترین حالت هیچ تغییری نکرده است. اما در این شرایط است که رئیس‌جمهور مدعی است به خاطر وعده‌هایی که به ملت داده است خجالت‌زده نیست. رئیس‌جمهور در این زمینه به نظر می‌رسد کاملا محق باشد چون به غیر از آن دسته حرف‌های کلی قشنگ که همه می‌زنند و خب! جناب روحانی هم زده‌اند، دسته دیگری از وعده‌ها و حرف‌های جزئی‌تر مانند آنچه از ایشان نقل شد وجود دارند که گویا فراموش شده‌اند و همین فراموشی است که حق را به جانب ایشان می‌فرستد. چه لزومی دارد حرف‌هایی که برای جلب توجه مردم زده شده در خاطر کسی بماند، درست مثل حرف‌هایی که در جلسات خواستگاری گفته می‌شود و بعدتر که قضیه جوش خورد به باد فراموشی سپرده می‌شود یا بعضی حرف‌های دیگری که در بعضی موقعیت‌های دیگر برای جلب نظر زده می‌شود و خب! چون روزنامه‌مان را می‌بندند نمی‌شود در اینجا بیان‌شان کرد.